



## بررسی قواعد و اصول تفسیر «قرارداد» و آثار آن

رؤیا سادات براتی \*

### چکیده

معمولاً هدف متعاقدين از انعقاد قرارداد، رسیدن آنها به آثار ناشی از آن می باشد و بدیهی است که حصول آثار قرارداد منعقد، منوط به تبیین مفاد آن خواهد بود، حال چنانچه قراردادی دارای ابهام و اجمال در مفاد آن باشد اختلافات قراردادی حادث و طرفین قرارداد هر کدام سعی می کنند که از موارد ابهام و سکوت قراردادی به نفع خود بهره برداری و تفسیر نمایند. به همین دلیل ضرورت دارد قاضی با اصول تفسیر قرارداد آشنایی داشته، به کمک آن به حل اختلاف بپردازد؛ زیرا قانونگذار در قوانین مدون چندان به بررسی اصول تفسیر نپرداخته و به طور پراکنده به برخی از آنها اشاره نموده است که آن هم به لحاظ مبنایی فاقد انسجام اند.

بنابراین در حوزه مبانی تفسیری و موضوع و قلمرو تفسیر می توان گفت در حقوق ایران قواعدی منسجم بر اساس مبانی شفاف وجود ندارد و این امر، موجب آشفتگی تفسیر قرارداد در رویه قضایی شده است.

### واژگان کلیدی:

تفسیر قرارداد، اصول تفسیر، قواعد تفسیر، آثار قرارداد.



## مقدمه

آنچه انسان به زبان می آورد همیشه نمی تواند نشان دهنده تمام مفاهیم مورد نظر او در برابر مخاطب و در حقیقت درِیچه ای برای این شخص به ضمیر گوینده باشد. سوء تفاهماتی که در روابط اجتماعی بین اشخاص به وجود می آید بطور کلی از همین ناتوانی الفاظ در ارائه تمام مفاهیم درونی، سرچشمه می گیرد. حال بعد از اینکه قراردادی منعقد شد، در مرحله اجرای قرارداد ممکن است بین طرفین قرارداد در تعیین مفاد قرارداد و نحوه اجرای قرارداد اختلاف پیش بیاید و بروز اختلاف امر ممکن می باشد زیرا قرارداد همانند هر متن دیگری براساس عوامل داخلی و خارجی این قابلیت را دارد که از آن برداشت های مختلفی بشود. با برداشت های مختلف مفاهیم قرارداد دچار ابهام می شود و لاجرم بحث تفسیر قرارداد مطرح می شود.

در تفسیر قرارداد آنچه که اهمیت فراوان دارد این است که قرارداد باید به چه نحوی تفسیر شود تا به حقیقت نزدیک باشد. در این راستا اصول، قواعد و مسائلی وجود دارد که ما را در جهت تفسیر صحیح قرارداد یاری می رساند به شرطی که نحوه به کارگیری صحیح آنها را نیز رعایت کرده باشیم.

از آنجایی که قرارداد محصول اختیار و اراده طرفین آن می باشد لذا پس از انعقاد آن در صورت وجود ابهام و بروز اختلاف و در راستای تفسیر قرارداد باید اصولاً قرارداد مطابق با آنچه که طرفین خواسته و اراده کرده اند مورد تفسیر قرار گیرد. اما مسئله این است که برای رسیدن به این اراده طرفین، چه ابزارهایی را در اختیار داریم و چه اصول و قواعدی و یا به عبارت ساده تر چه فرمول ها و راهکارهای عملی را باید به کار برد تا تفسیر قرارداد و به تبع آن اجرای قرارداد به درستی انجام گرفته و به حقوق طرفین لطمه ای وارد نشود.

## ۱- مفهوم تفسیر قرارداد

تفسیر واژه ای عربی از ریشه فسر به معنی آشکار ساختن، پرده برداری کردن، پدید کردن، هویدا کردن، گزارش کردن، بیان کردن و «شرح دادن» و «توضیح دادن است.» بر اساس این تعریف لغوی تفسیر جایی به کار می رود که چیزی پنهان است و ما می خواهیم آن را آشکار سازیم.<sup>۱</sup>

در بین حقوقدانان چندین تعریف برای تفسیر قرارداد ارائه شده است. یکی از این تعریفها توسط مرحوم دکتر کاتوزیان ارائه شده ایشان تفسیر قرارداد را به معنی

۱. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران: نشر سرایش، چاپ دوم، واژه تفسیر، ص ۳۰۰.



تشخیص مفهوم مقررات آن می دانند و در ادامه هدف تفسیر را روشن ساختن مضمون و مفاد عقد بیان می دارند. تفسیر در فقه به معنی علمی است که در توضیح دادن آیات قرآن و احادیث کاربرد دارد.

## ۲- ضرورت و اهمیت تفسیر قرارداد

از آنجایی که اکثر قراردادهایی که منعقد می شود طرفین نسبت به مقررات حقوقی آشنایی کافی ندارند و معمولاً عموم جامعه با اصطلاحات و الفاظ عادی و نه حقوقی قراردادهایشان را منعقد می کنند و لذا در حین اجرا ممکن است هر کدام از طرفین برداشتی به سود خود را اظهار نماید و ممکن است که هر کدام از طرفین با رجوع به حقوقدان اصطلاحات و الفاظ عادی را در قالب حقوقی خاصی بگنجانند و در نتیجه قرارداد ابهام آمیز تلقی شود و نیاز به تفسیر پیدا شود. البته حتی اگر در انعقاد قراردادی متخصصان و مشاوران حقوقی و فنی نیز حضور داشته باشند آنها نیز نمی توانند همه جوانب و اختلافات احتمالی آینده را پیش بینی نمایند. به طوری که قراردادهای نمونه که جنبه تخصصی و بین المللی پیدا کرده است به هنگام اجرا با تعبیرها و مشکلاتی رو به رو می شوند که در ذهن نویسندگان آن نیز نمی گنجد است.<sup>۲</sup> به همین دلیل است که تفسیر قرارداد از مسائل مهم حقوقی می باشد.

تفسیر ممکن است برای روشن کردن ماهیت یک عمل غیر حقوقی، انجام گردد که نهایتاً مربوط به سرنوشت قرارداد خواهد شد، مانند اینکه مالک پس از آگاهی بر وقوع معامله فضولی نسبت به مال اظهار کند که «من به کمتر از این قیمت نیز حاضر بودم آن مال را بفروشم» که دلالت و عدم دلالت این جمله به تنفیذ معامله، ممکن است مورد تفسیر قرار گیرد.<sup>۳</sup>

## ۳- وسایل تفسیر قرارداد

منظور از وسیله یا مبانی تفسیر قرارداد، تشخیص ماهیت و مختصات قرارداد که مبتنی بر قصد مشترک طرفین و مقررات قانونی و همچنین عرف می باشد. به عبارت دیگر اموری است که به عنوان ابزار در تفسیر مورد استفاده قرار می گیرد. وسایل تفسیر قرارداد متعدد است از جمله کلمات و قرائن، مقررات قانونی و اصول و عرف است که

۲. کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، ۵ جلدی، جلد سوم، چاپ هشتم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۹، ص ۱۰.

۳. شهیدی، مهدی، اصول قراردادها و تعهدات، دوره تعهدات، ۵ جلدی، جلد دوم، چاپ هفتم، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۶، ص ۳۱۳.



همگی به نوعی در شناخت و کشف اراده مشترک انشاء کنندگان قرارداد به دادرس کمک می‌کند.<sup>۴</sup>

### ۳-۱- کلمات و قرائن

نخستین وسیله ابراز اراده که درعین حال وسیله کشف اراده طرف‌های قرارداد نیز به شمار می‌رود، لفظ است. هر چند در ماده ۱۹۱ ق. م برای تحقق عقد، همراه بودن قصد انشاء با چیزی که دلالت بر آن کند، لازم دانسته شده و این ماده به طور مطلق لفظ و غیر لفظ را در ابراز اراده در برمی‌گیرد، اما نگاهی کوتاه به مقررات مواد دیگر قانون مدنی، مانند مواد ۱۹۲ و ۱۹۴ قانون مدنی و رویه متعارف نشان می‌دهد که کلمات و عبارات خواه به صورت نوشته درآید یا به صورت لفظ، شایع‌ترین وسیله ابراز اراده طرفین قرارداد می‌باشد.<sup>۵</sup>

در مورد الفاظی که با آنها می‌توان عقد را منعقد و اراده را آشکار ساخت چهار نظر فقهی مطرح شده است:

۱- انعقاد عقد با الفاظی که یقیناً برای تحقق عقد وضع شده‌اند. با الفاظ مشکوک نمی‌توان عقد را منعقد ساخت.

۲- در تحقق عقد، باید به الفاظی که از طرف شارع رسیده است اکتفا کرد.

۳- عقد را باید با الفاظی که عقود، با آنها عنوان می‌شود منعقد ساخت، مثلاً عقد بیع با بعت و نکاح با النکحت و اجاره با اجرت منعقد می‌شود، در نتیجه با الفاظی که عقود با آنها عنوان نمی‌شود، عقد منعقد نمی‌گردد.

۴- جواز انعقاد عقد، با هر لفظی که صریح یا ظاهر در معنای عقد باشد، هر چند این ظهور به کمک قرائن حاصل شود.

باید دلیل نظراتی که الفاظ انعقاد عقد را محدود می‌داند بررسی شود، اگر دلیل محکم و قانع‌کننده باشد پذیرفته می‌شود در غیر اینصورت قاعده اولیه اقتضا می‌کند که عقود و ایقاعات به هر چیزی که برای انشاء عقد صلاحیت دارد منعقد شود، اعم از اینکه قول، با فعلی صریح، با غیر صریح باشد و اعم از اینکه حقیقت یا مجاز باشد.

در حقوق موضوعه ایران، موادی وجود دارد که بر هر یک از دو دیدگاه اراده باطنی و ظاهری دلالت دارد. بعضی از موادی که بر اراده باطنی دلالت دارد، عبارتند از: ماده ۱۹۱ ق. م بیان می‌کند «عقد محقق می‌شود در غیر اینصورت قاعده اولیه اقتضا می‌کند که دلالت بر قصد کند.» این ماده، اصالت را با قصد و اراده می‌داند و لفظ را وسیله ابراز آن تلقی می‌کند. ماده ۱۹۳ ق. م نیز انشاء عقد را، بوسیله عملی که مبین قصد و رضا

۴. بهرامی، بهرام، بایسته‌های تفسیر قوانین و قراردادهای، تهران، انتشارات نگاه بینه، ۱۳۹۰، ص ۲۶۱.

۵. شهیدی، همان منبع، ص ۲۹۸.



باشد ممکن دانسته است، این ماده نیز به اصالت قصد و مبرز بودن عمل تصریح کرده است. با توجه به بررسی مواد قانون مدنی، این نتیجه حاصل می شود که اگر یک ماده قانونی، بیانگر قاعده کلی در موضوع مورد بحث باشد، یا از مواد متعدد قانونی بتوان قاعده کلی را استخراج نمود، این قاعده در تمام موارد جاری خواهد بود، مگر اینکه در مورد خاصی به صراحت استثنا شده باشد. بر همین اساس، می توان گفت: با توجه به مواد ۱۹۱ و ۴۶۳ ق.م قاعده کلی مورد پذیرش قانون مدنی ایران، اراده باطنی است.<sup>۶</sup> هر عقدی، مقتضای مخصوص به خود که در عقود دیگر دیده نمی شود ابهامات هر قراردادی نیز باید با اقتضای آن تفسیر شود در نتیجه تفسیر معارض با طبیعت عقد بی اعتبار است. دلیل این امر، این است که اگر متعاقدين، منظور خود را به صراحت بیان نکرده باشند، آن را تابع طبیعت عقد قراردادند. به همین خاطر هم نباید شروط مبهم عقد، طوری تفسیر شود که با تعهدهای اصلی طرفین عقد معارض باشد. به عنوان مثال، اگر در عقد عاریه، شرط شده باشد که عاریه گیرنده، مال مورد عاریه، یا مثل آن را مسترد نماید، نباید چنین استنباط شود که عاریه دهنده، اجازه تلف مال را داده است، بلکه باید چنین فرض شود که رد مثل، مربوط به جایی است که مال بنا به عللی تلف شود؛ زیرا طبیعت عاریه، مبنی بر استفاده و رد عین مال می باشد.

قرائن در لغت جمع قرینه و در اصطلاح خصوصی نیز اوضاع و احوال است که می تواند به کشف مقصود طرفین قرارداد، کمک کند. مانند اینکه در قرارداد اجاره ای نوشته شده برای سکونت حال آنکه قصد مشترک و نوع کاربری ساختمان تجاری بوده است. همچنین اگر خانه مسکونی به اجاره داده شود، وضعیت عین مستأجره قرینه ای بر واگذاری منافع سکناي آن است نه استفاده از آن برای انبار کردن کالا (ماده ۴۹۲ ق م).

### ۲-۲- مقررات قانونی

مقررات قانونی دومین وسیله تفسیر قرارداد است. منظور از مقررات قانونی که در تفسیر مورد استفاده قرار می گیرد، مقررات تکمیلی است که برای پر کردن خلأ ناشی از سکوت طرف های قرارداد وضع گردیده است. این مقررات با الهام از روش متعارف و اوضاع و احوال موجود در قانون جای می گیرد و مدار اصلی آن اراده مشترک طرفین قرارداد است و به همین جهت طرفین قرارداد می توانند از آن دست بردارند و برخلاف آن توافق کنند. در صورتی که مقررات امری برخلاف مقررات تفسیری اساساً در جهت پاسداری از نظم عمومی وضع می گردد که نمی توان برخلاف آن توافق کرد.



### ۳-۳-عرف

سومین وسیله تفسیر قرارداد عرف است. عرف در اصل واژه‌ای است عربی و اسم مصدر از عرفان، و به معنی نیکویی و بخشش و شناختن و دانستن است که معنی واژه عرف، شناختگی است. عرف می‌تواند به عرف عام و عرف خاص از جهت اکثریت و اقلیت بودن آن افراد تقسیم کرد. عرف عام قراردادی عبارت است از انس ذهنی اکثریت افراد یک جامعه نسبت به امری از امور مربوط به قرارداد است. مثلاً خانه‌ای به مدت یک سال اجاره داده می‌شود و در صورت عدم تعیین زمان پرداخت اجاره‌بهای آن مبلغ باید با اقساط ماهانه پرداخت شود. عرف خاص، عبارت است از انس ذهنی گروه خاص ساکن در منطقه یا ناحیه معین یا دارای حرفه و پیشه خاص و مشترک است. مثلاً عرف خاص پیمانکاران که معمولاً ده درصد مبلغ قرارداد را به هنگام امضای قرارداد دریافت می‌دارد. بطور کلی عرف امور موضوعی قرارداد را که ناپیدا و مبهم باشد روشن می‌کند و ابهام آن را برطرف می‌کند منظور از امور موضوعی اموری است که تعیین آن ذاتاً در صلاحیت قانون‌گذار نیست. در حقوق ایران عرف قراردادی مد نظر قانون‌گذار قرار گرفته و بر آن نقش‌های مختلفی نیز قائل شده است. دقت در مواد مندرج در قانون نیز مؤید این است.

دادرسی نمی‌تواند بدون دلیل قطعی و به بهانه رعایت قصد مشترک مفاد عرفی الفاظ عقد را ندیده بگیرد و حتی آنان که رعایت ظاهر الفاظ را بر مبنای احترام به اعتماد مشروعی که از عقد در دیگران حاصل می‌شود معتبر می‌دانند اثبات خلاف ظاهر عرفی را نیز مفید نمی‌دانند و هرکس را به مفاد عرفی گفته‌ها و نوشته‌های خود پایبند می‌بینند.<sup>۷</sup>

### ۴- اصول حقوقی مورد استفاده در تفسیر قرارداد و آثار آن

#### ۴-۱- اصل لزوم در تفسیر قراردادها

گاهی با یک عقد و قراردادی در خارج رو به رو هستیم که نمی‌دانیم آیا این قرارداد لازم است یا جایز، و یک طرف قرارداد هم مدعی است که قرارداد جایز است. در چنین حالتی به حکم ماده ۲۱۹ قانون مدنی باید اصل لزوم را نسبت به آن قرارداد جاری کرده و آن را لازم بدانیم. بنابراین، دادرسی تکلیف دارد اگر به قراردادی برخورد کرد که لزوم یا جواز آن مورد ابهام بوده و مدعی جایز بودن عقد و قرارداد نیز دلیل محکمه‌پسندی بر ادعای خود ارائه ننماید، بنا به قاعده اصله اللزوم باید قرارداد را به گونه‌ای تفسیر کند که

۷. کاتوزیان، ناصر، همان منبع، ص ۱۶۳.



به لزوم آن بینجامد و فسخ یک طرفه آن را مجاز نداند. از این مطلب این قاعده تفسیری نیز نتیجه می‌شود «که تفسیر نباید مستلزم فسخ قرارداد باشد» این نتیجه به روشنی از قسمت اخیر ماده ۲۱۹ قانون مدنی که می‌گوید: «... مگر اینکه به رضای طرفین اقاله یا به علت قانونی فسخ شود.» نیز قابل استنباط است. یعنی علی‌الاصول باید کلیه عقود و قراردادهای واقع شده را که لزوم و جواز آن معلوم نیست حمل بر لزوم کنیم و هر جا که عبارتی از قرارداد قابلیت دو نوع تفسیر را داشت که یکی مستلزم فسخ و دیگری مستلزم لزوم قرارداد باشد، تفسیری را برمی‌گزینیم که به لزوم عقد منجر می‌شود.

#### ۴-۲- اصل حاکمیت اراده

اصل حاکمیت اراده اقتضا می‌کند که در تفسیر قرارداد به آنچه متعاقدين صریحاً یا ضمناً خواسته اند توجه شود و براساس این اصل، الفاظ قرارداد دارای تقدس چندانی نبوده و تا حدی معتبر هستند که مبین اراده واقعی طرفین قرارداد باشند و اگر معلوم شود که مقصود طرفین غیر از چیزی است که ظاهر الفاظ و عبارات اقتضا می‌کند، اراده واقعی آنان باید معتبر شناخته شود و ملاک تفسیر قرارداد باشد، قاضی هنگام تفسیر قرارداد باید در کشف اراده متعاقدين بکوشد و برای قرارداد همان آثاری را قائل شود که آنان خواسته‌اند.

بر اساس اثر اصل حاکمیت اراده در تفسیر قراردادهای، عنوانی را که طرفین به قرارداد داده اند مانند عنوان بیع، اجاره، ضمان، قرض و امثال آنها قاطعیت ندارد و قاضی می‌تواند با توجه به اراده طرفین عنوان دیگری برای قرارداد قائل شود مثلاً اگر متعاقدين به قرارداد خود عنوان ضمان یا بیع بدهند قاضی مکلف نیست آن را قبول و احکام ویژه ضمان یا بیع را در مورد قرار داد اجرا کند مگر اینکه اراده طرفین چنین اقتضائی داشته باشد و نیز اگر کسی در مقابل طلبکار بگوید: تعهد می‌کنم که بدهی مدیون را بپردازم، این تعهد را می‌توان ضمان عقدی به مفهوم قانون مدنی تلقی کرد، هر چند که لفظ ضمان بکار نرفته باشد مگر اینکه معلوم شود که مقصود طرفین بقاء دین بر ذمه بدهکار اصلی بوده است.<sup>۸</sup>

#### ۴-۳- اصل حسن نیت

یکی از اصولی که اراده طرفین قرارداد بر پایه آن تفسیر می‌گردد حسن نیت است. حسن نیت را باید از مفاهیم مرتبط با علم اخلاق دانست که نشانگر انجام رفتار صادقانه از جانب فرد است. در این معنا شخص با حسن نیت فردی است که از موضوعاتی که او را در مظان اتهام قصد ایراد خسارت عمدی یا تحصیل نامشروع منافع قرار می‌دهد

۸. صفایی، سید حسین، حقوق مدنی قواعد عمومی قرار دادهای، ۲ جلدی، جلد دوم، انتشارات میزان، ۱۳۹۴، ص ۵۲.



آگاهی ندارد و اگر نقص و خللی نیز در رفتار او وجود داشته باشد بر اساس تقصیر او شکل نگرفته است.<sup>۹</sup>

استفاده از اصل حسن نیت در تفسیر قرارداد، مانند تمام اصول دیگر، منوط به آن است که در نظام حقوقی مزبور پذیرفته شده باشد و از نظر مبنا مغایرتی با سایر اصول و ضوابط آن نداشته باشد و این نکته اثبات شد که در اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی اصل حسن نیت مورد پذیرش قرار گرفته و معتبر است. به علاوه مهم‌ترین شکل تأثیرگذاری حسن نیت در تفسیر قرارداد، به عنوان تعهد طرفین، به گونه‌ای است که در ماده ۵-۲ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی ذکر شده است.

در حقوق ایران برخی حسن نیت را وصف تصرف دانسته و این گونه تعریف کرده‌اند که: «بر اساس آن کسی با استناد به یکی از وجوه ناقله در مال دیگری تصرف می‌کند و به صحت تصرف خویش معتقد است». بر همین اساس عناصر تحقق حسن نیت عبارتند از: (۱) وجود فعلی از افعال اعم از آنکه به صورت عقد باشد یا ایقاع؛ (۲) مورد فعل مزبور مالی باشد اعم از آنکه متعلق به فاعل باشد یا به او تعلق نداشته باشد؛ (۳) فعل مزبور ظاهری داشته باشد که منطبق با واقع نباشد.<sup>۱۰</sup>

در مقام تفسیر قرارداد بایستی تفسیری از قرارداد ارائه شود که با حسن نیت و مفاهیم مرتبط با آن سازگار باشد، حتی اگر این تفسیر با ظاهر متن قرارداد مطابقت نداشته باشد. یعنی به جای اصرار و پافشاری به رعایت معنای تحت‌اللفظی عبارت قرارداد بیشتر به روح توافق طرفین توجه داشته باشد.<sup>۱۱</sup>

آثار حسن نیت در تفسیر قراردادها نیز از دو جنبه قابل بررسی است:

۱- حسن نیت قاضی رسیدگی کننده: از جنبه نخست حسن نیت در تفسیر قرارداد بدین معناست که مرجع رسیدگی کننده، هر قرارداد را با فرض صداقت و حسن نیت طرفین قرارداد تفسیر و از نکات مورد اختلاف رفع ابهام کند.

در این مفهوم، حسن نیت از ابزار و عواملی است که به قاضی کمک می‌کند تا حدود التزامات طرفین و آثار قراردادی را مشخص سازد؛ زیرا هر طرف قرارداد علی‌الاصول با اطمینان به حسن نیت طرف مقابل بر مفاد عقد تراضی کرده، تعهداتی را متقبل می‌شود و آثار قرارداد را می‌پذیرد و حق دارد که فرض صداقت و حسن نیت را در وجود طرف مقابل هم در مقام تعیین تعهدات و آثار قراردادی و هم در مقام اجرای آنها محقق

۹. بهرامی، حمید، سوء استفاده از حق، انتشارات اطلاعات، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۰، ص ۲۲۶.

۱۰. محمد جعفر، جعفری لنگرودی، وسیط در ترمینولوژی حقوق، گنج دانش، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۸، ص ۲۲۸.

۱۱. عباسی، اسماعیل، حسن نیت در قراردادهای (مطالعه تطبیقی حقوق ایران و سایر نظام‌های حقوقی)، پایان‌نامه دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی (واحد علوم تحقیقات)، ۱۳۸۴، ص ۲۵۱.





بداند و هیچ یک از طرفین حق ندارد از حسن نیت موجود سوءاستفاده کنند. قاضی تفسیرکننده باید براساس مقتضای هریک از دو نظریه تقدم اراده باطنی و تقدم اراده ظاهری که در سیستم حقوقی حاکم بر قرارداد پذیرفته شده، عمل کند. به عبارت دیگر، اگر نظریه اراده باطنی پذیرفته شده باشد، قاضی باید از تمام عواملی که در دسترس او قرار دارند و او را به قصد واقعی طرفین می رسانند، غافل نشود.

#### ۴-۴- اصل تفسیر در پرتو کل قرارداد

یکی دیگر از اصولی که در تفسیر قرارداد از آن می توان استفاده کرد تفسیر در پرتو کل قرارداد است به موجب این اصل باید قرارداد به عنوان یک کل واحد بررسی و تفسیر شود زیرا طرفین یک کل واحد را مورد انشاء قرار داده اند نه اینکه تنها به بخشی از قرارداد نظر داشته باشند و مفاد سایر اجزای آن را مورد توجه قرارداد ندهند. در حقوق ایران نیز این قاعده معتبر است و در تفسیر قرارداد باید به آن عمل نمود. زیرا مبانی ذکر شده در توجیه این قاعده، در حقوق ما نیز پذیرفته شده است. پیشتر بیان کردیم که در حقوق ایران اصل بر متابعت از خواست و اراده طرفین در تفسیر قرارداد است. قرارداد پدیده ای ایجاد شده از جانب طرفین است که ماهیت و آثار آن علی الاصول براساس خواست آنها شکل می گیرد. نقش قانونگذار در این بین محدود کردن اراده مزبور و اعلام بی اعتباری مواردی است که اراده افراد غیرقانونی است. اثری که می توان از این قاعده در تفسیر عنوان داشت این است که هیچ یک از اجزای قرارداد مجمل تلقی نمی شوند زیرا تمام عناصر و بخش های عقد به یکسان مورد توجه افراد قرار گرفته اند (اعمال الکلام اولی من اهماله). بنابراین می توان از تمام اجزای موجود در قرارداد در توجیه یا رفع ابهام از سایر بخش ها نیز مدد گرفت. به علاوه تفسیری که منجر به ابطال بخشی از قرارداد گردد تنها در صورتی ممکن است که راه حل دیگری برای رفع ابهام از قرارداد وجود نداشته باشد. بر اساس مبنای مورد پذیرش در حقوق ایران، مبنی بر تقدم اراده باطنی الفاظ و عبارات به کار رفته در قرارداد تنها نقش کاشفیت از اراده باطنی را دارند.<sup>۱۲</sup>

#### ۴-۵- اصل تفسیر به زبان تنظیم کننده

یکی دیگر از اصولی که در تفسیر قرارداد مورد استفاده قرار می گیرد، اصل تفسیر به زبان تنظیم کننده است. در صورت وجود ابهام در قرارداد، ابهام به نحوی رفع می شود که به زبان تنظیم کننده پیش نویس قرارداد یا شرط مورد نظر باشد. قاعده اولیه در تفسیر قراردادها یافتن اراده و قصد مشترک طرفین است. در اعمال این قاعده ضروری

۱۲. کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، ۵ جلد، جلد اول، شرکت سهامی انتشار، تهران، چاپ هفتم، ۱۳۸۵، ص ۲۳۲.



است ابتدا منتفع از تعهد یا شرط مزبور معین گردد. نکته ای که باید به آن توجه داشت اینکه در مورد اجزای مختلف قرارداد مفهوم متعهد و متعهدله قابل تغییر خواهد بود. همچنین باید دانست قاعده مزبور تنها در جایی به کار می رود که با استفاده از ادله دیگر نتوان ابهام موجود در قرارداد را رفع نمود. بنابراین اگر به هر نحوی بتوان با احراز قصد مشترک طرفین از قرارداد رفع ابهام کرد استناد به قاعده مزبور ناممکن است زیرا اجرای آن در حقیقت آخرین راه حل در تفسیر قرارداد محسوب می شود مبنای قاعده مزبور را می توان بر پایه اصل عدم توجیه کرد: طرفین قرارداد با توافق یکدیگر اقدام به ایجاد تعهدات قراردادی می کنند. اراده خلاق آنها مبنای ایجاد تعهدات است. بنابراین می توان گفت اثر این قاعده این است که اگر در مورد قلمرو تعهدی تردید شود با استناد به اصل عدم، به نبود تعهد و عمل بر اساس قدر متیقن حکم می شود.<sup>۱۳</sup>

#### ۵- اصول فقهی مورد استفاده در تفسیر قرارداد و آثار آن<sup>۱۴</sup>

اصول عملی و اصول لفظی از اصول فقهی هستند که باید در تفسیر قرارداد مورد استفاده قرار گیرد. اصول عملیه در معنای اعم خود شامل قواعد حقوقی، مثل قاعده صحت و نیز نهادهای علم اصول یعنی اصول حاکم در موارد تردید، برای رفع سرگردانی و بلا تکلیفی که در موارد ناپیدا بودن حکم یا موضوع قانونی مورد استناد قرار می گیرد، مانند استصحاب و اصل برائت و اصل عدم است. مثلاً اگر پس از تملیک مال معین، بین طرفین اختلاف شود که عقد مقصود طرفین، هبه بوده است، یا صلح غیر معوض، با استناد به قاعده لزوم عقد (ماده ۲۱۹ ق. م.)، چنین تفسیر می شود که عقد مورد اراده طرفین عقد لازم بوده و بنابراین ناقل نمی تواند مورد عقد را استرداد کند، هر چند که تعیین ماهیت عقد را نمی توان از اجرای اصل لزوم نتیجه گرفت.

تأثیر و حاکمیت اصول عملی در تفسیر تکیه بر اصول عملی مانند اصول لفظی، برای استنباط احکام و اراده قانونگذار یا طرف های قرارداد با گسترش علم اصول در ادوار گذشته و تاکنون (که در هیچ نظام حقوقی دیگر به این گستردگی آن را نمی توان یافت) روش و تکنیکی است که در قرون و اعصار با نظام حقوقی ما در آمیخته و الهام بخش نویسندگان قوانین ایران و مخصوصاً قانون مدنی در وضع مقررات بسیاری بوده است، نظیر ماده ۸۷۴ ق. م که در بین متواترین، شخصی را که تاریخ فوتش مجهول است به حکم استصحاب یا اصل تأخر حادث، وارث متوفایی که تاریخ فوتش معلوم

۱۳. سنهوری عبدالرزاق احمد، الوسيط فی شرح القانون المدني الجديد، ترجمه محمد حسین دانش کیا و سید مهدی دادمزنی، انتشارات دانشگاه قم، جلد اول، ۱۳۸۲، ص ۴۴۳.  
۱۴. شهیدی، مهدی، همان منبع، ص ۲۹۴-۳۰۹.



است معرفی کرده است.

تأثیر اصول لفظی در تفسیر قرارداد ممکن است در قرارداد الفظی مبهم به کار رود و یا عباراتی گنجانیده شود که مفهوم آن به ظاهر با هم سازگار نباشد. در این موارد معلوم است که قرارداد باید به گونه ای تفسیر شود که ابهام برطرف و با حمل قرارداد بر صحت، عبارات دارای تعارض به گونه ای منطقی و متعارف با یکدیگر جمع شود و تعارض آنها از بین برود. در این راه همانند تفسیر قانون و مقررات مربوط دیگر باید از اصول لفظی مورد بحث در علم اصول استفاده کرد. زیرا مباحث الفاظ علم اصول که متضمن بیان مسائل مربوط به اصول لفظی است همانند اصول عملی، ریشه در مبانی عقلی و عرفی دارد و به همین جهت کارایی این اصول اختصاص به نظام حقوقی خاص ندارد و جز در مواردی استثنایی ضابطه ای خردمندانه و تکیه گاهی عقلایی در استنباط مفاهیم قانونی و قراردادی در دستگاه علم حقوق به شمار می رود و می تواند در نظام های حقوقی متفاوت مبنای استنباط قرار گیرد. به همین دلیل است که برخی از دانشمندان اصول، دانش اصول را به صنعتی که با آن قواعد استنباط احکام شناخته می شود معرفی کرده اند.

هرگاه دلالت الفاظ قرارداد بر معنی، صریح و روشن و یا ظاهر باشد معنای مزبور باید حاکم بر روابط طرف های قرارداد دانسته شود. زیرا هر چند معنی ظاهری با احتمال خلاف نیز همراه است، اما عمل به ظهور همواره در تفسیر قانونی و قراردادی معتبر شناخته شده و معنی ظاهری کلمه و مفاد بارزتر جمله همیشه رعایت شده است، مگر این که دلیل خلاف در موردی موجود باشد.

عمل به ظهور در الفاظ و جملات متبادل بین اشخاص در روابط معاملاتی و اجتماعی، اقدامی عقلایی و مبتنی بر تحلیل قابل قبول است؛ موارد صراحت الفاظ و عبارات در معنی در روابط اجتماعی بسیار نادر است و اگر ظواهر و الفاظ و عبارات حجیت نداشته باشد بسیاری از امور اجتماعی بلا تکلیف و روابط مبادلاتی به تعطیل و ایستایی کشیده خواهد شد. در صورتی که مدلول صریح یا ظاهری الفاظ و عبارات معلوم نباشد آن الفاظ یا عبارات مبهم خواهد بود و در موارد ابهام چاره ای جز استناد به اصل عدم و برائت نسبت به تعهدات طرف های قرارداد نیست و این موارد جایگاه جریان اصول عملی است.

در هر حال استنباط مقصود مشترک طرفین از الفاظ و عبارات قرارداد، گاهی بسیار ظریف می نماید. در خیلی از اسناد معاملات اموال غیرمنقول که به اصطلاح قولنامه یا مبیعه نامه نامیده می شود و به وسیله اشخاص ناآگاه تنظیم می گردد، عباراتی



متعارض دیده می شود که گاه کشف اراده مشترک طرفین را با اشکال روبرو می سازد. به طوری که نمی توان فهمید آیا طرفین مقصود مشترکی داشته اند یا خیر و اگر داشته اند آن مقصود مشترک چه بوده است. مثلاً در سند معامله مال غیرمنقول پس از ذکر مشخصات فروشنده و خریدار و مورد معامله نوشته می شود ایجاب و قبول بین طرفین با اسقاط کافه اختیارات به عمل آمد و چون تمام یا قسمتی از ثمن معامله با چک های وعده دار پرداخت می شود، در ذیل سند نوشته می شود که اگر یکی از چک های مذکور در وقت مقرر بلا محل درآید معامله صورت نمی گیرد، یا معتبر نمی شود که در چنین موردی عبارات متعارض باید چنین جمع و تفسیر شود که منظور طرفین وقوع معامله و سپس انحلال معلق آن در صورت برگشت خوردن چک می باشد.



## نتیجه گیری

تفسیر عبارت است از رفع ابهام از قرارداد در راستای احراز قصد مشترک طرفین. توجه و اهمیت به قصد و اراده طرفین از لحاظ طبیعت اثر عقد در قرارداد است. به این ترتیب نخست اراده، خالق قرارداد بوده و حدود آن را مشخص می سازد و دوم در امر تفسیر عقد مهم ترین ابزار رفع ابهام به شمار می آید. از این رو توجه به قصد اشخاص با تمام شرایط و ویژگی های آن محور تفسیر قرار گرفته است و دادرسی از تمام وسایل و امکانات خویش برای واضح ساختن اراده مشترک طرفین استفاده می کند.

دادرسی در تفسیر قرارداد از ابزارهای متنوعی استفاده می کنند. برخی از این ابزارها وسایل و مبانی تفسیر قرارداد هستند که به تشخیص ماهیت و مختصات قرارداد که مبتنی بر قصد مشترک طرفین و مقررات قانونی و همچنین عرف می پردازند. به نوعی در شناخت و کشف اراده مشترک انشاءکنندگان قرارداد به دادرسی کمک می کند برخی دیگر از این ابزارها عوامل مؤثر در تفسیر هستند از قبیل عوامل داخلی قرارداد همانند اراده مشترک و طبیعت قراردادی برخاسته از خود قرارداد بوده و عوامل خارجی همانند قانون، عرف، اصل حسن نیت از مصلحت و منفعت اجتماعی ناشی شده اند. این ابزارها در تطبیق با یکدیگر همگی هدف والای خویش را رفع ابهام از اراده و تکمیل نواقص قرارداد برای اجرای آن می دانند. تفسیر قرارداد واجد مبانی و اصول خاص و متعددی است. از جمله اصول لفظی، اصول عملیه و اصولی حقوقی.

پس دادرسی نمی تواند بدون دلیل قطعی و به بهانه رعایت قصد مشترک، مفاد عرفی الفاظ عقد را ندیده بگیرد. حتی آنان که رعایت ظاهر الفاظ را بر مبنای احترام به اعتماد مشروعی که از عقد در دیگران حاصل می شود معتبر می دانند، اثبات خلاف ظاهر عرفی را نیز مفید نمی دانند و هر کس را به مفاد عرفی گفته ها و نوشته های خود پای بند می بینند. اثبات خلاف ظاهر عرفی دشوار است و به سختی به نتیجه مطلوب می رسد و در عمل نیز دادگاه ها تمایلی به انصراف از آن ندارند با وجود این، نقش پنهانی و مؤثر انصاف را در تفسیر قصد مشترک نباید نادیده گرفت و از جذبه عدالت غافل ماند.



### فهرست منابع:

۱. بهرامی، بهرام، **بایسته های تفسیر قوانین و قراردادهای**، تهران، انتشارات نگاه بینه، ۱۳۹۰.
۲. بهرامی، حمید، **سوء استفاده از حق**، انتشارات اطلاعات، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۰.
۳. سنهوری عبدالرزاق احمد، **الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید**، ترجمه محمد حسین دانش کیا و سید مهدی دادمیزی، انتشارات دانشگاه قم، جلد اول، ۱۳۸۲.
۴. شهیدی، مهدی، **اصول قراردادهای و تعهدات**، دوره تعهدات، ۵ جلدی، جلد دوم، چاپ هفتم، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۶.
۵. صفایی، سید حسین، **حقوق مدنی قواعد عمومی قرار دادهای**، ۲ جلدی، جلد دوم، انتشارات میزان، ۱۳۹۴.
۶. عباسی، اسماعیل، **حسن نیت در قراردادهای (مطالعه تطبیقی حقوق ایران و سایر نظام های حقوقی)**، پایان نامه دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی (واحد علوم تحقیقات)، ۱۳۸۴.
۷. کاتوزیان، ناصر، **قواعد عمومی قراردادهای**، ۵ جلدی، جلد سوم، چاپ هشتم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۹.
۸. کاتوزیان، ناصر، **قواعد عمومی قراردادهای**، شرکت سهامی انتشار، تهران، چاپ هفتم، ۵ جلد، جلد اول، ۱۳۸۵.
۹. محمد جعفر، جعفری لنگرودی، **وسیط در ترمینولوژی حقوق**، گنج دانش، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۸.
۱۰. معین، محمد، **فرهنگ فارسی**، تهران: نشر سرایش، چاپ دوم.